



شماره ۱۷۲۶۱۹۲
تاریخ ۶۴/۱۲/۱۳

بسمه تعالی!

محضر مبارک فقهاء معظم شورای نگهبان قانون اساسی دامت برکاتهم

محترماً با تقدیم بهترین تحیات پیرو مذاکرات تلفنی با حضرت آیت اله صافی دامت برکاتش بدینوسیله خاطر شریف آقایان محترم را بموضوع ذیل معطوف میسازد:

بعضی از مستأجرین موقوفات که در اثر اجرای مغایر لایحه قانونی تجدید قرارداد اجاره املاک و اموال موقوفه مصوب ۴۰/۲/۵۸ شورای انقلاب^(۱)، املاک و اراضی تصرفی و مورد اجاره آنها فسخ شده است، با این استدلال که: لایحه قانونی مذکور حق تجدید اجاره را برای مستأجرین سابق به رسمیت شناخته و اصولاً متولی موقوفات ملزم است پس از فسخ به تجدید اجاره با آنها اقدام نماید مبادرت به طرح دعوی رد ادگستری نموده اند و همچنین بعضی طوعاً نسبت به خلع یسند از مورد اجاره منفسخ شده اقدام نکرده تا اینکه موقوفه نسبت به خلع یا از مورد اجاره علیه آنان طرح دعوی نموده است و در هر دو حال نظریاره ای از قضاة دادگستری و محاکم نیز بر آنست که متولی موقوفه پس از فسخ باید با مستأجر تجدید اجاره نماید و خلع یا فقط در حالتی متصور است که مستأجر ظرف سه ماه عند رجوع در قانون مراجعه نکرده و اعلام آمادگی برای تجدید اجاره ننموده باشد و الا مستأجری که آمادگی برای تجدید اجاره بوده باشد، دعوی خلع یا موجه نیست و حال آنکه با توجه به بجهتات ذیل، این تفسیر مورد اشت از قانون، مخالف با روح و هدف غایی تشریح آنست:



۱۰۷۲۶۱۹۲
۶۴/۱۲/۱۳



تولیت آستان قدس

(۲)

اولاً " بخشی از موقوفات در رژیم ستم شاهی ، بر اثر تبانی و توصیه و روابط خاص مستأجرین با طاغوت و دست نشانده های طاغوت ، در بار ، ساواک ، نواب تولیت غاصب - موقوفات آستان قدس رضوی و خلاصه دستگاہ ستم شاهی پهلوی واگذار شد و در رایسن واگذاریها و اجارات صرفه و صلاح و غبطه وقف رعایت نشده و با قاطعیت میتوان گفت : حقوق موقوفه تضییع شده است "

ثانیاً " بسیاری از مستأجرین این قبیل اجارات صلاحیت اجتماعی ، سیاسی و اخلاقی برای اجاره موقوفه را نداشته و ندارند چه بسا تعدادی از آنان در هیئت اوائل پیروزی انقلاب تقاضای تجدید اجاره را ارائه و بعلت مخالفت با انقلاب اسلامی مه اسید سقوط آن بخارج از کشور فرار کرده اند و اکنون فرزندان ویا وکلایشان موضوع را تعقیب دارند و بعضی با آنکه در ایران ساکنند اما هیچگاه با انقلاب اسلامی رابطه خوبی نداشته اما از دست آورد هایش خوب بهره میبرند .

ثالثاً " نتیجه قبول این نظریه و تفسیر شخصی از قانون ((یعنی الزام متولی به تجدید - اجاره با مستأجرینی که صلاحیت اجاره موقوفه را ندارند و در تجدید اجاره با آنها رعایت غبطه وقف نمی شود)) با اصل اختیارات شرعی متولی ، مغایر و در تعارض است و متولی را که باید در اداره امور وقف با رعایت صرفه و غبطه وقف و مصالح عالییه اجتماع مبسوط الی - - - باشد مسلوب و یا محدود و الا اختیاری نماید و این امر صحیح بنظر نمی رسد .

مستدعی است نظر فقهای محترم را در باره الزام و یا عدم الزام متولی مبنی بر تجدید اجارات مشمول لایحه قانونی مصوب ۲/۴/۵۸ شورای انقلاب اعلام فرمایند . ش ۱۲/۱۲

عباس واعظ طبسی

نماینده امام در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی